

## کودکان سرراهی!

❁ صحنه های رقت بار! ❁ بررسی انگیزه ها  
❁ شیرخوار گاه و پرورشگاه ❁ انسانی ترین و عالیترین روشها

آمدورفت مردم درخیا یا ناقص شده بود، صدای بوق گوشخراش ماشینها و سروصداهای مختلف دیگر، بگوش نمیخورد، آن تکاپو و کوشش و تلاش خستگی ناپذیر، جای خود را بسکون و آرامش، داده بود، مغازه ها همه تعطیل شده و از مشتریهای پرچانه خبری نبود، دست فروشها، دوره گردها و... کار خود را تعطیل کرده و در خانه های خود آرمیده بودند، آری تهران پر جوش و خروش، با گذشتن یاسی از شب، آرام شده و سکوتی مطلق همه جا را فرا گرفته بود!

پاسبان گشت، طبق معمول، امتداد خیابانی را طی میکرد، تا اگر دزدان و طراران، بخواهند از محیط خلوت، سوء استفاده کرده، بمغازه یا خانه ای دستبرد بزنند، بحساب آنها رسیدگی نماید.

نور مهتابیها، از لابلای شاخ و برگ درختها بر پیاده رومی تابید و منظره ای شاعرانه بوجود آورده بود و پاسبان همچنان راه خود را می پیمود! راه می رفت و بزنگی خود می اندیشید! در این میان، توجهش بسوی چند سگ که در پیاده رو مشغول خوردن چیزی بودند و گاه گاهی بجان یکدیگر می افتادند، جلب شد، میخواست بی اعتنائی کند و براه خود ادامه دهد و مزاحمتی برای آن چند حیوان گرسنه، فراهم نسازد، ولی با شنیدن صدای گریه و ناله مظلومانه يك طفل! با عجله بسوی او رفت و آنها متفرق شدند، صحنه جالبی بود، صحنه ای بس رقت بار! کودکی شیرخوار، که شاید چند روزی بیشتر از عمر خود را پشت سر نگذارده بود در خون خود غرق بود و یکی از دستهای نازک و لطیفش از بیخ قطع شده و طعمه سگها شده بود!

شاید شبی نباشد که در تهران بزرگ، مأمورین بیکه یا چند طفل سرراهی بر خورد نکنند! با کمال تأسف، گاهی بر اثر دیر رسیدن آنان، سگها کار خود را کرده و اطفال معصوم را با دندانهای خود پاره پاره نموده و طعمه خویش ساخته اند، یا اینکه هنگامی رسیده اند که طفل معصوم،

یکی از دست‌های یا پاهای خود را از دست داده بوده است (۱)

### بررسی انگیزه‌ها

اکنون برای ما این سؤال، پیش می‌آید که چرا پدران و مادرانی بخود اجازه می‌دهند که با استفاده از خلوت شب، جگر گوشگان خود را بدست‌سر نوشت سپرده و عواطف پاک پدری و مادری خود را آلوده هوسهای نابخردانه و افکار پوچ شیطانی نمایند؟

بدبختانه در جامعه ما یک نوع افسار گسیختگی و بی بندوباری در میان نسل جوان، در شرف تکوین است که از هم اکنون نتایج شوم آن، بچشم می‌خورد، اگر از حال برای آن فکری نشود معلوم نیست جامعه ما چه صدمه‌ها و لطمه‌های غیر قابل جبرانی خواهد خورد.

یکی از این نتایج شوم این است که عده‌ای از این اطفال معصوم، مولود شبهای گناه، بلهوسی و شهوترانیهای زنان و مردانی هستند که از تشکیل خانواده و ازدواج مشروع، سر باز زده، همواره بفکر خوشی و عیش و نوش و کامرانی هستند و تمام مقررات مربوط بمحدودیت زن و مرد را که صد در صد موجب سعادت اجتماع و بخصوص نونهالان است، زیر پا گذاشته‌اند، اینها با سر نوشت انسانهایی بی گناه و مظلوم، بازی میکنند و با جنايتکارانه‌ترین رفتار خویش، سبب میشوند که اطفالی معصوم، طعمه سگها شده یا عضوی را از دست بدهند، آنگاه تحویل پرورشگاه داده شوند.

نتیجه شبهای گناه، تنها همین جنایت نیست، گاهی هم برای از بین بردن جنین، اقدام بعمل و حشیانه کورتاژ میکنند که خود دارای مضرات شدید روحی و جسمی است و فعلاً مربوط به بحث ما نیست.

عده‌ای دیگر، متعلق بپدران و مادرانی هستند که بر اثر فقر و کثرت عائله و نداشتن وسیله پرورش فرزندان خود ناگزیر میشوند اقدام بچنین عملی کنند، بخصوص که اگر اینکار را نکنند خیلی مشکل است که پرورشگاهی حاضر باشد بدون در دسر و معطلی طفل را بپذیرد و بزرگ کند.

### شیر خوار گناه و پرورشگاه.

اگر طفل بیچاره از دست سگها جان سالم بدر برد؛ تحویل محیطی داده میشود که صدها طفل بی سرپرست، بدست یک عده پرستار و پرورشکار حرفه‌ای سپرده شده‌اند، تازه این محیط نمیتواند آنطوری که باید و شاید جای خانه و مادر را بگیرد، بهترین محیط برای پرورش طفل خانه آغوش مادران است حتی نهر مادری؛ بلکه مادران بردبار و پر حوصله، مادرانیکه بخاطر تربیت صحیح کودکان خود؛ همه نوع فداکاری و از خود گذشتگی میکنند.

بگفته روانشناسان «پدر و مادری که پراز عقده هستند و دائماً خشمناک و در امور جزئی بر آشفته میشوند و یا پرورشکاری که شغل را تنها بخاطر امرامعاش اختیار کرده و ذوق و شوقی برای تربیت ندارد و بگوید کان بانظر عنادمینگرد و بی حوصله و عصبی و فاقد اعتماد بنفس است؛

(۱) تفصیل این بحث را در کتاب «جوانی پر رنج» نوشته دکتر صاحب الزمانی، مطالعه فرمائید

نمی‌تواند هیجانها و عواطف کودکان را در مسیر صحیح سوق دهد» (۱)

بنابر این تنها سیر شدن شکم و پوشیده شدن بدن ، منظور نظر نیست ، صدها اشکال دیگر در کار تربیت طفل ، موجود است که شاید گرسنگی و برهنگی کم اهمیت تر از همه آنها باشد ، همین اشکالات ، در مورد کودک کانبکه مادرشان در پیرون خانه کار می‌کنند و آنها را بدست نوکرها و کلفتها می سپارند ، موجود است ، «بن ژان» قاضی دادگاه اطفال سن فرانسه مینویسد : « با مطالعه روی ۳۰ پرونده مربوط بکودکان مجرم ، باین نتیجه رسیده‌ام که فقط یکی از این ۳۰ طفل پدر و مادر واقعاً شریف و آگاه داشته است» (۲) یکی از نگاههای حمایت کودکان پاریس می گوید : « ۶۳ تا ۶۵ درصد مجرم کودکان ناشی از عدم مراقبت اولیا و سرپرستی آنهاست (۳) یکی از اساتید علوم تربیتی دانشگاه تهران میگوید : ۹۰ درصد مجرمین ، در کودکی فساد اخلاق داشته‌اند » (۴) واقعه زیر ، مطلب ما را بهتر روشن میکند :

« محمود در کودکی ، شاگرد اول بود و با آنکه خیلی سالم و طبیعی و باهوش بود ولی در پنج سالگی میزان نمرات او تنزل کرد ، وزن او روز بروز کمتر شد و از قد کشیدن بازماند ، در امتحان هوش نمراتش پائین آمد و کم کم خیلی ناراحت و عصبانی شد ، در نتیجه روانشناسی که با کودکی همکاری میکرد ، باروش درمانی از راه بازی ، او را مورد آزمایش قرارداد ، بدین معنی که سه عروسک ، یکی مرد ، یکی زن و یکی پسر بچه کوچک ، با مقدماتی اسباب خانه در اختیار او گذاشت ، او در مرحله اول عروسک زن را از خانه با دانه فرستاد ، بعد عروسک مرد را گذاشت در آشپزخانه منزل ، بعد شروع پرسیدن سؤالاتی از خودش نمود که آیا عروسک پسر - بچه هرگز رشد میکند و باندازه یک مرد بزرگ میشود یا نه ؟ حتی با خودش فکر کرد که شاید عروسک پسر بچه وقتی بزرگ شد زنی خواهد شد ، که مثل مامان کار خواهد کرد .

این امتحان با اسباب بازی نشان داد که او چرا عصبانی و ناراحت و بی اشتهاست و در چه محیطی زندگی میکند مادر او در خارج منزل کار میکرد ، بطوریکه تمام وقت را در اداره بسر میبرد و هنگامیکه بخانه می آمد بی نهایت خسته بود و فرصت توجه و نگاهداری او را نداشت ساعات کار پدرش چندان مرتب نبود و اغلب در منزل بسر برده کارهای منزل را انجام می داد و همچنین مرتب از او توجه میکرد ، او را در رختخواب می گذاشت و لالائی میگفت ، مشکل او این بود که میخواست طبق معمول پدرش تاسی کند یعنی خودش را بجای پدرش بگذارد ، در حالیکه وضعیت خانوادگی طوری بود که او را بکلی بلا تکلیف کرده بود ، یعنی نمیدانست با پدرش بشود در خانه کار کند و یا مثل مادرش در اداره کار کند ، بعد از اینکه جریان را با پدر و مادرش در میان گذاشتند ، آنها برای رفع این مشکل ، فوراً اقدام نمودند ، مادرش با کم نمودن ساعات کار خودش در خارج از منزل توانست بیشتر اوقات در منزل بماند و از او توجه کند ، افزایش علاقه و توجه پدر و مادر نسبت باو سبب تغییرات فاحشی در روحیه اش شد ، اشتهایش افزایش یافت ، خوشحالتر شد در مدرسه هم رفتارش با همقطاران بهبود یافت ، علاوه بر افزایش وزن ، قد او نیز بطور

طبیعی بلندتر شد « (۱)

### عالیترین و انسانیترین روشها

آئین مقدس اسلام که همه جا متوجه تأمین سعادت یکایک افراد اعم از خرد و بزرگ است ، برای همه این مشکلات ، راه‌های صحیح در نظر گرفته است ، در درجه اول ، روابط زن و مرد را تا حد ضرورت و لازم ، آزاد گذارده و بقیه را سخت کنترل کرده است ، آنگاه مسلمانان را موظف می‌سازد که نسبت به تهیدستان و درماندگان ، کمال مراقبت را داشته ، از آنها سرپرستی نمایند .

پیامبر اسلام ، پیش از آنکه از طرف خداوند ، بنبوت مبعوث گردد ، احساس کرده عمویش ابوطالب که مردی پرعائله بود ، وضع زندگی خوب نیست ، از اینرو با اتفاق دیگر عمویش ، عباس نزد ابوطالب رفتند و دو تن از فرزندان او را از او گرفتند ، علی را پیغمبر و جعفر را عباس ، بخانه آورد ، بدین ترتیب هزینه زندگی ابوطالب را سبک نمودند (۲) این عمل یک سرمشق عالی انسانی است که هر کسی میتواند از آن استفاده کند .

علی (ع) نسبت باین دوره از زندگی خود فخر و مباهات میکند و میفرماید : « شما قرابت و نزدیکی مرا نسبت به پیغمبر و مقام و منزلت خاصی که نزد او داشتم میدانید ، آنگاه که طفلی خرد سال بودم مرا در دامن خود میگرفت و بسینه می‌چسباند و در بستر خود می‌خوابانید و صورت را بصورت من می‌چسباند و مرا وادار میکرد که بوی خوش او را استشمام کنم... هر روزی برای من از خلق نیکوی خود پرچمی می‌افراشت و مرا به پیروی آن امر میکرد » (۳)

راستی اگر کاروان بشریت ، روزی بچنین مرحله‌ای از تکامل میرسد و انسانها اینچنین نسبت بیکدیگر مهر می‌ورزیدند ، نوازش میکردند و نوازش میدیدند ، چه خوب بود! اسلام همواره متوجه هموار ساختن راه رسیدن انسان بچنین مرحله ایست ، علی (ع) در فرمان تاریخی خود بمالك اشتر ، دستور میدهد که : « مواظب یتیمان باش و بوضع آنها رسیدگی نماید » (۴) در وصیت خویش بفرزندانش حسن و حسین (علیهما السلام) میفرماید : « **اللّٰه فی الایتام فلا تغبوا افواهم ولا یضیعوا بحضرتکم** » (۵) از خدا بترسید نسبت به یتیمان ! نکند که آنها را گرسنه بگذارید و بر اثر بی‌سرپرستی ضایع و تباه گردند ، این دستور ، بتمام جهات و مشکلات زندگی اطفال بی‌پناه و آواره و یتیم ، توجه دارد ، پیامبر عالیقدر اسلام فرمود : « بهترین خانه‌های شما خانه ایست که در آن یتیمی مورد احسان قرار گیرد و بدترین خانه‌ها خانه‌ای است که در آن یتیمی مورد بدرفتاری واقع شود » (۶)

ما فکر می‌کنیم که اگر ایمان بمعنای اسلام در جامعه تقویت شود و افراد متمکن ، وظیفه خود را بخوبی ایفا کنند ، مشکل آوارگان اجتماع ! و کودکان سرراهی ! **بخصوص حیعی حل** خواهد شد هم آمار جرائم بمیزان قابل توجهی تنزل میکند و هم سعادت خود آنها تأمین خواهد شد .

(۱) روانشناسی عمومی شماره ۳ نشریه مؤسسه ملی روانشناسی .

(۲) سیره ابن هشام (۳) - نهج البلاغه فیض خطبه ۲۳۴ صفحه ۸۰۲ (۴) - نهج

البلاغه فیض صفحه ۱۰۱۰ (۵) نهج البلاغه فیض صفحه ۹۶۸ (۶) - مستمسک جلد